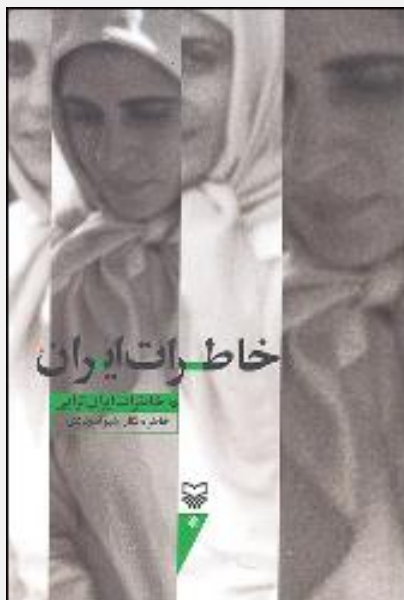


خاطرات ایران

کتاب «خاطرات ایران» مجموعه خاطرات ایران ترابی از دوران دفاع مقدس با تدوین شیوا سجادی از سوی سوره مهر به چاپ رسید.



کتاب #171;خاطرات ایران؛ مجموعه خاطرات ایران ترابی از دوران دفاع مقدس با تدوین شیوا سجادی از سوی سوره مهر به چاپ رسید. خبرگزاری مهر - گروه فرهنگ و ادب: ایران ترابی در اسفندماه سال 1334 در شهرستان تویسرکان از توابع استان همدان به دنیا آمد. علاقه او به تحصیل باعث شد در برابر مشکلات پیش رویش بایستد و با وجود چند سال ترک تحصیل با هدف خدمت به مردم، وارد کار درمان شود.

این انگیزه در دوره انقلاب و سالهای دفاع، صورت ایثارگرانه به خود گرفت. در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، ایران ترابی که حدوداً 24 ساله بود داوطلب رفتن به مناطق مورد هجوم می‌شود؛ روزهایی که هنوز برنامه دفاعی منسجمی برای مقابله با این حمله ددمنشانه نبوده است.

او در این کتاب از حوادثی که به چشم خود دیده، از ماجراهایی که در آنها قدم گذاشته و از چگونگی دفاع از دین و سرزمینمان برای ما سخن می‌گوید.

به گفته شیوا سجادی تدوینگر کتاب، شروع به کار مصاحبه و تحقیق پیرامون روایت‌های ترابی به سال‌های 83 و 84 برمی‌گردد. حدود 50 ساعت مصاحبه ضبط شده در دست بود، با این حال تا آخرین مراحل قبل از سپردن کار به دست نشر که انتخاب و گویا کردن عکس‌ها بود، فرصت پرسش و واکاوی محفوظات ذهنی راوی از دست داده نشد تا اطلاعات تازه‌افزوده و مستند وی فضای روشن‌تری را پیش‌روی مخاطب بگشاید.

مصاحبه تکمیلی، ایجاد فاصله زمانی برای درگیر شدن ذهن راوی با گذشته‌های به نسبت دور، مرور چندباره بر موضوعات مطرح شده و تلاش برای یافتن برخی شخصیت‌های ذکر شده در حوادث، گفتگو با برخی رزمندگان و کادر درمان هم‌دوره با ترابی و بهره‌مندی از کتاب‌هایی مانند دشت آزادگان در جنگ و کارنامه توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس کمک موثری در روشن شدن حوادث آن دوره بود.

کتاب حاضر در 22 فصل تنظیم شده و یکی دیگر از آثار سوره مهر در حوزه خاطره‌نگاری دفاع مقدس است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: در ماشین را باز کردم و بالا رفتم، تمام صندلی‌ها را برداشته و مجروحین کف اتوبوس نشسته بودند. هنوز لباس منطقه را به تن داشتند. روی هر کدام یک پتو انداخته بودند که سرما نخورند. تمام تنش‌ها تاول زده بود و صورت‌هایشان باد کرده بود طوری که چشم‌شان جایی را نمی‌دید.

هیچ‌کدام از آنها بالای 30 سال سن نداشتند. دست اولین نفر را که گرفتم تا پیاده‌اش کنم با صدای خفه و گرفته‌ای که به زحمت شنیده می‌شد، گفت: دست مرا نگیرید.

گفتم: باشد. من گوشه این پتو را می‌گیرم. شما هم گوشه پتوهای همدیگر را بگیرید و آهسته پشت سر هم بیایید.

این کتاب در شمارگان 2500 نسخه و قیمت 11 هزار تومان به چاپ رسیده است.

